

بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن

سید علیرضا افشانی^۱

دانشیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: اسفند ۹۲، تاریخ پذیرش: خرداد ۹۲)

چکیده:

یکی از موضوعات و نیازهای مهم هر جامعه برای قشرهای مختلف و به ویژه جوانان، نشاط اجتماعی است. نشاط اجتماعی با متغیرهای مختلفی در ارتباط است و به کاهش بسیاری از آسیب‌ها و معضلات جامعه کمک می‌کند. تحقیق حاضر به منظور سنجش میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان شهر یزد و ارائه راهکارهای افزایش آن انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع پیمایش بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر یزد تشکیل می‌دادند که بر اساس آمار سرشماری ۱۳۹۰ تعداد کل آنها ۱۵۱۹۲۷ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر مشخص گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بود. اعتبار پرسشنامه از نوع محتوایی و پایایی آن نیز با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که چون برای سازه‌های مختلف بیشتر از ۰/۷ بود حکایت از مطلوبیت ابزار داشت. نتایج نشان داد بین سن و میزان نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود نداشت. بین میزان نشاط اجتماعی زنان و مردان و هم‌چنین افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود نداشت. میزان نشاط اجتماعی افراد شاغل به طور معناداری بیشتر از افراد غیرشاغل بود. بین میزان تحصیلات، میزان سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط با میزان نشاط اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود داشت ولی رابطه معنادار و معکوسی بین محرومیت نسبی و میزان نشاط اجتماعی بود.

واژگان کلیدی: شادکامی، نشاط اجتماعی، جوانان، سرمایه اجتماعی، یزد

۱. آدرس الکترونیکی: afshanalireza@yazd.ac.ir

مقدمه

لغت شاد در فرهنگ عمید به معنای خشنود، خوشحال، خوش، بی غم، خوش و خرم آمده است (عمید، ۱۳۶۹: ۸۲۸). در زبان انگلیسی واژه happy (شاد و خوشحال)، یک صفت به معنای خوشبخت، خوش شانس، خوش یمن، خوشایند، رضایت، خشنودی و خوش و باصفا تعبیر می شود (آرجیل و لو، ۲۰۰۱: ۴۰۷؛ وینهون، ۱۹۹۶؛ داینر، ۱۹۸۴).

نشاط یا شادمانی واژه‌ای است که معانی مختلفی چون لذت آنی، لذت طولانی مدت و لذت از کل زندگی را شامل می‌شود. نشاط، سه جز اساسی دارد که عبارتند از: هیجانان مثبت، رضایت از زندگی و فقدان عواطف. نشاط اساسی‌ترین بحث انسانی برای تمام نسل‌ها است و مرکزی‌ترین محرک اهداف بشری است. نشاط، موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداری مثبت، برخورداری از سلامت روان و تعادل عاطفی، امیدواری به آینده، نگرش مطلوب و رضایت‌آمیز به خود و دیگران، روابط اجتماعی متعادل، دوری از کینه و نفرت، انتخاب آگاهانه اهداف زندگی، تلاش برای تحقق اهداف، دوری از اتلاف وقت و کاهلی، افزایش موفقیت‌های زندگی، برخورداری از شاخص‌های بالای زندگی، عملکرد بهتر سیستم ایمنی در مقابل استرس‌ها، خواب بهتر، تمایل بیشتر در کمک به دیگران، عملکرد بهتر شغلی - تحصیلی و تصمیم‌گیری بهتر می‌گردد. عوامل مؤثر بر نشاط بسیاریند و از جمله آنها می‌توان خانواده، محیط اجتماعی و شغلی، میزان درآمد، تحصیلات، هوش، ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و برخی خصوصیات شخصیتی، سلامت جسمانی و روانی، پیوندهای عاطفی، اعتماد به نفس بالا، داشتن حمایت‌های اجتماعی، رضایت از ازدواج، رضایت و لذت بردن از محیط کار، میزان آزادی در خانه، رعایت حقوق زنان در جامعه، دوست داشتن دیگران و طبیعت، فعالیت در امور خیریه و هدف‌مند بودن زندگی را نام برد. نشان داده‌اند که افراد ناشاد و ناراضی از زندگی، بیش از افراد شاد و راضی از زندگی از افسردگی و اضطراب و پیامدهای این دو اختلال رنج می‌برند؛ اقدام به خودکشی و مرگ و میر در آنان بیشتر است و عمر کوتاه‌تری دارند؛ هم‌چنین، بزهکاری و اعتیاد در این گروه بیشتر دیده می‌شود (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۳).

احساس شادی و نشاط یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار می‌رود و به دلیل تأثیرات عمده بر سالم‌سازی و به‌سازی جامعه، مدت‌مدیدی است ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است، به طوری که امروزه بسیاری از ملل به نوعی

در صدد ایجاد یک جامعه سالم و بانشاط هستند. زیرا به نظر می‌رسد احساس شادی از یک سو انسان‌ها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌کند و از طرفی دیگر به دلیل ویژگی مسری بودن آن، بستگی‌های فرد را با محیط گسترده می‌کند. از این رو مادامی که شهروندان احساس شادی کنند، همواره در خدمت به شهر و جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند. از این منظر نقش شادی و نشاط در زندگی افراد به حدی به سزا است که راسکین^۱ متفکر اجتماعی بر این نکته تأکید می‌ورزد «که ثروتمندترین کشور، کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته است» (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۳). هم‌چنین نقطه مقابل شادی و نشاط، افسردگی است و «پویایی و تحرک جامعه تا حد زیادی به فراوانی عناصر شادی‌آفرین مشروع و کاهش اضطراب، افسردگی و غم در جامعه بستگی دارد» (طریقه دار، ۱۳۷۹: ۱۲).

برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند، وضعیت‌های اجتماعی نابسامان و ملال‌آور و پراضطراب یکی از عوامل اصلی توقف استعدادها و باروری خرد و اندیشه در جامعه است که می‌تواند روابط فرد با اجتماع را مختل نموده و به تدریج نیروی انسانی را ضعیف کرده، قوای جسمی و فکری انسان را فرسوده کند و انسان‌ها را برای قبول ضعف و ناتوانی که مغایر با توسعه و تعالی است، آماده سازد. از سوی دیگر باید توجه داشت «پیشرفت سریع علم و فناوری، علی‌رغم ایجاد مزایای فراوان، خلاهایی را نیز برای انسان معاصر به وجود آورده است. موج فزاینده افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، افزایش طلاق و بزهکاری و بسیاری از مشکلات روانی - اجتماعی دیگر، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که نشان می‌دهند شادی در حال رخت بستن از جوامع است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۱).

جامعه ایران به لحاظ مواجه شدن با تحولات ساختاری همانند افزایش سالانه جمعیت، مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و هم‌چنین گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و در آستانه ورود به عرصه دنیای تکنولوژی، شاهد بروز پدیده‌های مختلفی در حوزه امنیت و آسیب‌های اجتماعی است که این موضوع نشاط و شادی جامعه ایران را بیشتر از گذشته تحت تأثیر قرار داده است و جامعه مورد مطالعه (شهر یزد) نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۱. Ruskin

از این رو ضروری است در مورد میزان نشاط اجتماعی جوانان پژوهش علمی درخوری صورت گیرد.

نتایج تحقیقی که توسط دهقانی، دانشجوی دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یزد در سال ۱۳۸۱ جهت رساله دکتری در یزد انجام شده است بیانگر این بود که فقط ۸ درصد از دانش‌آموزان یزدی فاقد افسردگی اند. نتایج یک پژوهش داخلی بر روی ۲۷ هزار و ۸۸۳ ایرانی ۱۸ تا ۶۵ سال در کشور نشان داده است که بیشتر مردم کشور (۳۹/۳ درصد) از شادکامی سطح متوسطی برخوردارند. ۳۵/۴ درصد نیز شادکامی خود را کم توصیف کرده و در این میان، تنها ۳ درصد خود را در سطح «بسیار زیاد» شادکام می‌دانند. یافته‌های پژوهش «شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن» از میان ۳۰ استان مورد بررسی، استان زنجان را با ۳/۶۹ میانگین امتیاز شادکامی، شادترین استان کشور معرفی کرده است و از یزد با ۳/۱۲ میانگین امتیاز شادکامی، به عنوان پایین‌ترین سطح شادکامی نام برده است (منتظری و همکاران، ۱۳۹۱).

در سالیان اخیر در درون استان یزد و با استناد به برخی پژوهش‌های صورت گرفته (منتظری و همکاران، ۱۳۹۱؛ دهقانی، ۱۳۸۱؛ وکیلی و همکاران، ۱۳۸۸)، مباحث و اختلاف‌نظرهایی در مورد وضعیت نشاط در این استان به وجود آمده است. عده‌ای معتقدند، اینکه یزد به لحاظ اشتغال وضعیت مناسبی دارد و همواره در کنکور رتبه اول را کسب کرده است دلیل محکمی است که از نشاط مطلوبی نیز برخوردار است. عده‌ای نیز با استناد به برخی پژوهش‌ها و یا استنادات رفتاری شهروندان و کمبود امکانات تفریحی در این دیار، مدعی نامطلوب بودن وضعیت نشاط در یزد هستند. از طرفی جوانان به عنوان قشر آینده‌ساز جامعه در مرحله حساسی از زندگی خود (جوانی) قرار دارند که یکی از نیازها و ضرورت‌های اساسی این دوره، نشاط است. بدون شک افزایش نشاط می‌تواند کارایی فرد را به طرز قابل توجهی افزایش دهد. از این رو سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نشاط اجتماعی در بین جوانان شهر یزد چگونه است؟ چه عواملی با نشاط اجتماعی مرتبط‌اند؟ چه راهکارهایی برای ارتقای نشاط اجتماعی جوانان وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

نتایج پژوهش مایرز^۱ (۲۰۰۰) و پترسون^۲ (۲۰۰۰) نشان داده است که شادی می‌تواند سلامت جسمانی و روانی را بهبود بخشد.

مطالعه توسط فرانسیس^۳ و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد رابطه معنی‌داری بین مذهب و نشاط در بین دانشجویان آلمانی وجود دارد، اما با کنترل متغیر شخصیت، این ارتباط معنی‌دار نبود.

لیوبومسکی، شلدون، و شید^۴ (۲۰۰۵) نشان دادند افراد شاد به شرایط و اتفاقات به شیوه مثبت‌تر و سازگارانه‌تری پاسخ می‌دهند و دارای سطح استرس کم‌تر و سیستم ایمنی قوی‌تر و خلاق‌تر از افراد ناشاد هستند.

علاوه بر این، نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که شادکامی، صرف نظر از چگونگی به دست آوردن آن، می‌تواند سلامت جسمانی و روانی را بهبود بخشد (مایرز^۵، ۲۰۰۱).

دولان، پیسگوود و وایت^۶ (۲۰۰۷) با مرور مقالات منتشر شده از سال ۱۹۹۰، به این جمع‌بندی رسیدند که تحقیقات انجام گرفته در مورد عوامل مرتبط با شادکامی، به دلیل بکارگیری روش‌ها و ابزارهای متفاوت، نادیده گرفتن بعضی عوامل مرتبط و نامشخص بودن جهت ارتباط علی، به نتایج متفاوت و در بعضی موارد به نتایج متناقضی رسیده‌اند. آنها به این جمع‌بندی رسیدند که بیماری، بیکاری، جدایی از همسر و نداشتن ارتباط اجتماعی در تحقیقات مختلف عوامل مشترکی هستند که با شادکامی رابطه منفی قوی دارند.

۱. Myers

۲. Peterson

۳. Francis

۴. Lyubomirsky, Sheldon, & Dchkade

۵. Myers

۶. Dolan, Peasgood & White

یاماوکا^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی بر روی کشورهای آسیای شرقی نشان داد که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با سلامت روانی و شادکامی رابطه دارد و ضعف در هنجارهای متقابل با علائم جسمانی بیشتری همراه است.

لیناستروم^۲ (۲۰۰۸) بین سرمایه اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی، ارتباط معناداری به دست آورد. وینسترا^۳ (۲۰۰۰) و پاودتاوی^۴ (۲۰۰۸) بین سرمایه اجتماعی و شادکامی، رابطه مثبت و معناداری به دست آوردند.

نتایج پژوهش گروسی فرشی، مانی و بخشی‌پور (۱۳۸۵) نشان داد که شادکامی با ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، دلبذیر بودن و با وجدان بودن رابطه مثبت و معنادار و با بعد روان‌نژندگرایی رابطه منفی دارد. هم‌چنین با بعد انعطاف‌پذیری ارتباط معنادار به دست نیامد.

وکیلی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان بررسی شیوع افسردگی و عوامل مرتبط با آن در رانندگان کامیون استان یزد به این نتایج دست یافته‌اند که در مجموع ۷۰/۳ درصد رانندگان درجاتی از افسردگی داشتند: ۱۴/۸ افسردگی اساسی، ۲۵/۴ درصد افسردگی متوسط و ۳۰/۱ درصد به درجات خفیف‌تر افسردگی مبتلا بودند و فقط ۲۹/۷ درصد آنها فاقد علائم افسردگی بودند.

در پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده است رابطه متغیرهای مختلفی نظیر هیجانات مثبت (رضوان و همکاران، ۱۳۸۹)؛ ورزشکار بودن (حمایت طلب، بزازان و لحمی، ۱۳۸۲)؛ گودرزی و حمایت طلب، (۱۳۸۴)؛ جنسیت، سن، ثروت، وضعیت تأهل، تحصیلات و سلامت (آزموده، ۱۳۸۲)؛ بیان احساسات (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳)؛ اعتماد به نفس (فرهادی و همکاران، ۱۳۸۴)؛ امید به آینده، ارضای نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی (هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۸۸)؛ عملکرد نظام ایمنی بدن (علی‌پور و همکاران، ۱۳۷۹) با شادکامی و نشاط بررسی و تأیید شده است ولی در پژوهش‌های اجتماعی، کمتر به

1 . Yamaoka

۲. Lindstrom

3. Veenstra

۴. Powdthavee

سنجش نشاط اجتماعی و رابطه آن با متغیرهای اجتماعی پرداخته شده است. از این رو این پژوهش از این حیث نیز دارای اهمیت است.

ملاحظات نظری

پوتنام و همکاران در تحقیقی که با همکاری دانشگاه هاروارد و مرکز بشردوستی دانشگاه ایندیانا انجام دادند، دریافتند که افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتری دارند و بهتر می‌توانند با مردم رابطه برقرار کنند، نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی‌تر، ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان‌تر هستند. آن‌ها معتقدند که سرمایه اجتماعی، در واقع یکی پیش‌بینی‌کننده قوی برای تعیین میزان شادمانی افراد و کیفیت زندگی در اجتماع است، لذا برای افزایش سطح شادمانی مردم، سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بسیار ارزشمندتر از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی است (به نقل از هوپکه^۱، ۲۰۰۱).

هادلر و هالر (۲۰۰۶: ۱۷۹) در مطالعات خود نشان دادند که روابط صمیمانه و خوب با دیگر مردم، همسر، والدین، فرزندان، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران از منابع اصلی رضایت از زندگی و شادی است.

تچ و لوبومیرسکی^۲ (۲۰۰۶: ۴) معتقدند که علت تفاوت شادی افراد و جوامع، صرفاً در مسائل اقتصادی نیست، بلکه فاکتورهایی مدنی، سیاسی، اجتماعی چون: «میزان آزادی‌های اجتماعی در دستیابی به حقوق سیاسی و مدنی‌شان یا فرصت انتخاب وسایل مورد نظر برای دستیابی به اهداف خود نیز نقش عمده‌ای در تبیین شادمانی افراد جامعه دارد».

به نظر می‌رسد شادمانی انسان با افزایش ثروت افزایش می‌یابد و کاهش ثروت، شادی را می‌کاهد. برخی از تحقیقات از جمله داینر و همکاران^۳ (۱۹۹۹) چنین گزارش کرده‌اند که مردم کشورهای ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بسیار شادترند. اما مایرز (۲۰۰۰) چنین بیان می‌کند که بین سطح درآمد و شادی در میان مردم آمریکا، کانادا و اروپا همبستگی ضعیفی وجود دارد. آرجیل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود

۱. Huppke

۲. Tkach & Lyubomirsky

۳. Diener et al

دارد، اما پژوهش‌های وی نشان می‌دهد که این ارتباط در بین اقشار کم درآمد بیش‌تر است؛ یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد بر شادمانی تأثیر دارد، ولی درآمد بیش از حد مورد نیاز، شادمانی را افزایش نمی‌دهد.

شادمانی در بزرگسالان ارتباط زیادی با وضعیت تأهل دارد. لوپری و فرایدرس^۱ (۱۹۹۲) روند زندگی زناشویی و ارتباط آن با میزان شادمانی را به شکل (U) تصور می‌کنند. آن‌ها معتقدند که وقتی فرد تصمیم می‌گیرد ازدواج کند، شادی او افزایش می‌یابد، وقتی که ازدواج صورت می‌گیرد از شادی ایجاد شده کم می‌شود و این کاهش تا زمان رسیدن فرزندان به سن نوجوانی، ادامه می‌یابد. بعد از این دوره، شادمانی مجدداً سیر صعودی پیدا می‌کند تا به سطح اولیه خود می‌رسد. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که افراد متأهل نسبت به کسانی که هرگز ازدواج نکرده یا جدا شده‌اند و یا همسر خود را از دست داده‌اند، بیش‌تر احساس شادی و شادمانی می‌کنند. علاوه بر این افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند اما با نامزد^۲ مورد علاقه خود زندگی می‌کنند، از کسانی که تنها زندگی می‌کنند خیلی شادمان‌ترند. البته این امر به ارزش‌های فرهنگی مورد قبول جوامع بستگی دارد. یافته‌های بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در جوامعی که فردگرایی^۳ رواج دارد، زندگی با نامزد مورد علاقه موجب شادمانی فرد می‌شود، اما در کشورهای جمع‌گرا، افرادی که با نامزد خود زندگی می‌کنند از افراد ازدواج کرده و یا افرادی که نامزد ندارند، دارای شادمانی کم‌تری هستند. این نتایج احتمالاً به این دلیل است که در جوامع فردگرا، زندگی مشترک با نامزد پسندیده است، ولی در کشورهای جمع‌گرا، این عمل کاری مذموم به حساب می‌آید. در جوامع جمع‌گرا، فردی که با نامزد خود زندگی می‌کند، احساس می‌کند که در مقابل ارزش‌های اجتماع ایستاده است و جامعه هم علیه آن‌ها عمل می‌کند و به این سبب شادمانی آن‌ها کاهش می‌یابد. ماستکاسا^۴ (۱۹۹۴) تفاوت میزان شادمانی افراد مجرد و متأهل را این‌گونه توضیح می‌دهد: اولاً طلاق و جدایی استرس‌زا و

۱. Lupri & Freideres

۲. Partner

۳. Individualism

۴. Mastkasa

ناخوشایندند و ثانیاً ازدواج مزیت‌هایی برای فرد ایجاد می‌کند که در غیاب آن فرد از آن‌ها محروم می‌شود.

جنسیت نیز موضوع تحقیقات زیادی در ارتباط با شادمانی بوده است. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیش‌تر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران این است که زنان نسبت به مردان، هم عاطفه منفی و هم عاطفه مثبت بیش‌تری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد. فوجیتا، دایز و ساندویچ^۱ (۱۹۹۱) نیز بر همین اعتقاد هستند. معمولاً همه اعتقاد دارند که زنان نسبت به مردان احساساتی‌ترند، ولی شواهد زیادی در تأیید این نظر وجود ندارد. زن و مرد از نظر شادمانی و رضایت کلی با یکدیگر متفاوت نیستند، مهم‌ترین تفاوت احساسی بین زن و مرد این است که زنان تغییرپذیری بیش‌تری دارند، یعنی هم عاطفه مثبت و هم عاطفه منفی بیش‌تری دارند. زنان ۵۰ درصد بیش‌تر از اضطراب و روان‌رنجوری رنج می‌برند و هیجان منفی بیش‌تری در زندگی روزمره دارند و دو برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند. نکته قابل ذکر این است که زنان جوان کمی شادتر از مردان جوان هستند، ولی زنان مسن کمتر از مردان مسن شاد هستند (آیزنک، ۱۳۷۸).

فرد ممکن است سطح معینی از کمال را معیار قرار دهد که بر پای خودپنداری^۲ یا تفکرات دیگران از جمله والدین، یا حتی کسانی که در قید حیات نیستند (گروه‌های مرجع فوت شده) ایجاد شده باشد. اگر شرایط واقعی شخص از معیار مورد نظر او یا سطح انتظار^۳ او بهتر و مطلوب‌تر باشد، شادی فرد نیز افزایش می‌یابد (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۴۰). میکالوس^۴ (۱۹۸۵) معتقد است که بخشی از شادکامی و خوشبختی از طریق مقایسه با استانداردهای اجتماعی تعیین می‌شود. از نظر او مردم با مشاهده اطرافشان و مقایسه خود با دوستان و

۱. Fvjtja, Diaz and Sandvic

۲. Self – Concept

3. Aspiration Level

۴. Mykalvs

آشنایان و یادآوری گذشته، اهداف و استانداردهایی را انتخاب می‌کنند. اگر از این استانداردها بالاتر باشند، شادکام و خشنود می‌گردند و چنانچه پایین‌تر از آن باشند، شادکامی و خرسندی اندکی خواهند داشت (به نقل از داینر و همکاران، ۱۹۹۷). در این رابطه سن و ویلیامز^۱ معتقدند که ارتباطات متراکم به ویژه فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی همه را به گروه‌های رقابتی تبدیل کرده است. بنابراین نظریه، آنها در محیط‌های قدیمی شانس بهتری برای خوب بودن داشتند، اما امروزه ما در حال رقابت و مقایسه خود با افرادی هستیم که در دنیا جزو بهترین‌ها هستند. از آنجا که نمی‌توانیم به زندگی خیالی که در تلویزیون می‌بینیم برسیم در ما افسردگی و حسد افزایش و شادکامی کاهش می‌یابد (باس^۲، ۲۰۰۰). در همین زمینه کنریک^۳ و همکاران (۱۹۹۴؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۳) دریافتند مردانی که زنان خود را با زنان برتر مقایسه می‌کنند، شادکامی آنها کاهش می‌یابد.

فرضیات تحقیق

- فرضیه شماره ۱: بین سن و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه شماره ۲: زنان و مردان از لحاظ نشاط اجتماعی متفاوتند.
- فرضیه شماره ۳: مجردین و متأهلین از لحاظ نشاط اجتماعی متفاوتند.
- فرضیه شماره ۴: بین میزان تحصیلات و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه شماره ۵: بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه شماره ۶: بین میزان محرومیت نسبی و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه شماره ۷: بین میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه شماره ۸: افراد شاغل و غیر شاغل از لحاظ نشاط اجتماعی متفاوتند.

1 . Williams

۲. Buss

3. Knryk

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر را باید از نوع روش پیمایش^۱ دانست. این مطالعه به لحاظ ماهیت، کاربردی، به لحاظ معیار زمان، مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی، پنهانگر بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر یزد تشکیل می‌دهند که بر اساس آمار سرشماری ۱۳۹۰ تعداد کل آنها ۱۵۱۹۲۷ نفر است.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد و حداکثر واریانس (۰/۵) و (۰/۵)، ۳۸۴ نفر مشخص گردید.

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران محاسبه گردید:

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{(N.d^2) + (t^2.p.q)} = \frac{151927 * 1.96 * 1.96 * .5 * .5}{(151927 * .05 * .05) + (1.96 * 1.96 * .5 * .5)} \cong 384$$

بدین ترتیب ۳۸۴ پرسشنامه تکمیل شد.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. بدین صورت که ابتدا سه منطقه شهرداری یزد به عنوان سه خوشه اصلی در نظر گرفته شد (منطقه ۲ شامل محدوده میدان امام حسین، بلوار دانشجو، میدان امیرچخماق، چهارراه سلمان؛ منطقه ۳ شامل محدوده صفائیه، شهرک رزمندگان، آزادشهر و منطقه ۱ شامل محدوده امام شهر، فرودگاه، سیدگل سرخ، خلدبرین، چاه ملکی) و در مرحله بعد خیابان‌ها و میادین اصلی هر منطقه از شهرداری در حکم بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شد. سپس هر محله به بلوک‌ها و کوچه‌ها تقسیم و در کوچه‌ها، خانه‌هایی به طور تصادفی برگزیده شدند. آنگاه پرسشگر با یکی از اعضای ۱۵ تا ۲۹ ساله خانواده مصاحبه انجام داده و پرسشنامه را پر نموده است. در صورتی که در آن خانواده، جوانی در این دامنه سنی وجود نداشت خانواده مجاور جایگزین می‌شد.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

۱. Survey

سنجش نشاط اجتماعی

تعریف نظری: نشاط را می‌توان رضایت‌مندی اجتماعی، روانی و جسمانی و یا رضایت‌مندی از جریان‌های زندگی تعریف کرد (آرجیل و لو، ۲۰۰۱).

برای سنجش میزان نشاط اجتماعی از پرسشنامه آکسفورد^۱ (OHI) استفاده شد. این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ توسط آرجیل و لو تهیه شده است. در ساخت این پرسشنامه، آرجیل پس از رایزنی با آرون بک، بر آن شد تا جمله‌های فهرست افسردگی بک را معکوس کند و به این ترتیب ۲۱ گویه تهیه کرد. سپس ۱۱ گویه دیگر به آن افزود تا سایر جنبه‌های شادکامی را نیز در برگیرد. سرانجام فهرست ۳۲ گویه‌ای را در مورد ۸ دانشجوی اجرا کرد و از آنها خواست تا پس از مرتب کردن گزینه‌ها، درباره اعتبار صوری آن نیز قضاوت کنند. بدین ترتیب با ایجاد تغییر در برخی از گویه‌های آزمون و حذف سه گزاره، فرم نهایی فهرست به ۲۹ گویه تقلیل یافت. بعد از چند سال آرجیل، OHI را مورد تجدید نظر قرار داد، فرم نهایی آن ۲۹ ماده دارد و از آن به طور وسیعی در انگلستان استفاده می‌شود (کار، ۲۰۰۴).

محققین مختلفی در ایران این پرسشنامه را مورد استفاده قرار داده و اعتبار و پایایی آن را گزارش کردند (کشاورز، ۱۳۸۴؛ گودرزی و حمایت طلب، ۱۳۸۴؛ علی پور و آگاه هریس، ۱۳۸۶).

این آزمون دارای ۲۹ گویه شش گزینه‌ای است (البته در پژوهش‌های مختلف بین ۳ تا ۶ گزینه در نظر گرفته شده است) و جمع نمره‌های گویه‌های آن، نمره کل مقیاس را تشکیل می‌دهد.

محرومیت نسبی، در حقیقت از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد با آنچه که به دست می‌آورد و هم‌چنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آنها مقایسه می‌کند، بدست می‌آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۰). برای سنجش محرومیت نسبی از پرسشنامه محقق ساخته شده است و از پاسخگو خواسته شده است که وضعیت خود و خانواده‌اش را از لحاظ درآمد، و وضع

۱. Oxford Happiness Inventory (OHI)

زندگی، تحصیلات، تفریحات، محل زندگی، اتومبیل و مسکن، با دوستان و نزدیکان خود مقایسه نماید.

از سرمایه اجتماعی تعاریف متعددی به عمل آمده است. سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی است (عبدلهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

با تحلیل و جمع‌بندی نظریات و تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی، ۳ بُعد برای این مفهوم در نظر گرفته شد. این ۳ بُعد عبارتند از اعتماد اجتماعی، شبکه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی. اعتماد اجتماعی در برگیرنده اعتماد نهادی (اعتماد به مسئولین)، اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به غریبه)، اعتماد بین شخصی (اعتماد به نزدیکان و فامیل) و اعتماد به محیط (اعتماد به فضای کلی حاکم بر جامعه) است. شبکه اجتماعی در برگیرنده مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و کیفیت شبکه روابط است. هنجارهای اجتماعی شامل مواردی نظیر احساس اثربخشی، حمایت اجتماعی، کنش مشترک، و ساطت اجتماعی و ارزش زندگی است. برای هر کدام از ابعاد سه گانه فوق تعدادی گویه در قالب طیف لیکرت در پرسشنامه گنجانده شد.

در این تحقیق، از اعتبار محتوایی استفاده شده است. به همین منظور، پرسشنامه تدوین شده را به اساتید و متخصصان نشان داده و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفته شد. برای محاسبه پایایی نیز با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی (پیش‌آزمون) و به کمک کامپیوتر و نرم‌افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که به صورت سازه تهیه شده بودند محاسبه گردید. میزان آلفا برای سازه نشاط اجتماعی ۰/۹۵، برای سازه سرمایه اجتماعی ۰/۸۴ و برای سازه محرومیت نسبی ۰/۷۷ به دست آمد. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ برای سازه‌های مختلف بیشتر از ۰/۷ بود حکایت از مطلوبیت ابزار داشت.

یافته‌ها

از مجموع ۳۸۴ نفر پاسخگویان این پژوهش، ۱۸۳ نفر (۴۷/۷ درصد) مرد و ۲۰۱ نفر (۵۲/۳ درصد) را زنان تشکیل می‌دادند. ۶۶/۷ درصد (۲۵۶ نفر) از پاسخگویان این تحقیق مجرد و ۳۱/۸ درصد (۱۲۲ نفر) متأهل بودند. ۳۸/۳ درصد (۱۴۷ نفر) شاغل و ۶۱/۷ درصد (۲۷۳ نفر) غیرشاغل بودند.

در مجموع، ۶/۸ درصد از پاسخگویان تحصیلاتی در حد راهنمایی و پایین‌تر داشتند، ۳۲/۸ درصد دبیرستان و دیپلم، ۱۳/۸ درصد فوق‌دیپلم، ۳۹/۳ درصد لیسانس و ۷/۳ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر بودند.

جدول شماره ۱. خروجی آزمون تی جهت مقایسه میزان نشاط اجتماعی بر حسب جنسیت،

وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال

متغیر	مقولات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
جنسیت	مرد	۱۸۳	۱۰۸/۱۹	۱۶/۷۳۹	۰/۶۶۲	۳۸۲	۰/۵۰۸
	زن	۲۰۱	۱۰۹/۲۸	۱۵/۷۴۲			
وضعیت تأهل	مجرد	۲۵۶	۱۰۸/۳۰	۱۵/۴۹۹	۰/۲۰۹	۳۷۶	۰/۸۳۵
	متأهل	۱۲۲	۱۰۸/۶۷	۱۷/۰۵۸			
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۴۲	۱۱۱/۳۵	۱۴/۳۴۷	۲/۴۱۵	۳۸۲	۰/۰۱۶
	غیرشاغل	۲۴۲	۱۰۷/۲۴	۱۷/۰۵۹			

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۱، میانگین میزان نشاط اجتماعی مردان (۱۰۸/۱۹) تفاوت معناداری (Sig = ۰/۵۰۸) با میانگین میزان نشاط اجتماعی زنان (۱۰۹/۲۸) ندارد. بنابراین فرضیه «بین میزان نشاط اجتماعی زنان و مردان تفاوت وجود دارد»، تأیید نمی‌شود. هم‌چنین میانگین میزان نشاط اجتماعی افراد مجرد (۱۰۸/۳۰) تفاوت معناداری (Sig = ۰/۸۳۵) با میانگین میزان نشاط اجتماعی افراد متأهل (۱۰۸/۶۷) ندارد. بنابراین فرضیه «بین میزان نشاط اجتماعی افراد مجرد و متأهل تفاوت وجود دارد»، تأیید نمی‌شود.

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد میانگین میزان نشاط اجتماعی افراد شاغل (۱۱۱/۳۵) تفاوت معناداری ($Sig = 0/016$) با میانگین میزان نشاط اجتماعی افراد غیر شاغل (۱۰۷/۲۴) دارد. به عبارت دیگر، افراد شاغل نسبت به افراد غیر شاغل از نشاط اجتماعی بالاتری برخوردارند. بنابراین فرضیه «بین میزان نشاط اجتماعی افراد شاغل و غیر شاغل تفاوت وجود دارد»، تأیید می‌شود.

با توجه به اینکه متغیرهای سن، تحصیلات، سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی، بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و نشاط اجتماعی در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول زیر گزارش شده است:

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین متغیرهای مختلف و نشاط اجتماعی

محرومیت نسبی	سرمایه اجتماعی	تحصیلات	سن	نشاط اجتماعی	
				۰/۰۱۵	سن
			۰/۳۲۳***	۰/۲۱۱**	تحصیلات
		۰/۱۵۲**	-۰/۰۳۴	۰/۳۸۵***	سرمایه اجتماعی
	-۰/۱۴۵**	۰/۰۳۷	۰/۲۶۸***	-۰/۲۶۴***	محرومیت نسبی
-۰/۲۲۴***	۰/۲۲۳***	۰/۲۸۷**	-۰/۰۸۱	۰/۲۴۶**	بهره‌مندی از رسانه‌ها

* معنادار در سطح کمتر از ۰/۰۵ ** معنادار در سطح کمتر از ۰/۰۱ *** معنادار در سطح کمتر از ۰/۰۰۱

یافته‌های ستون اول جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین متغیرهای تحصیلات، سرمایه اجتماعی و بهره‌مندی از رسانه‌ها با میزان نشاط اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش متغیرهای تحصیلات، سرمایه اجتماعی و بهره‌مندی از رسانه‌ها، نشاط اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند. ولی بین محرومیت نسبی با میزان نشاط اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش احساس محرومیت

۱. Zero Order Correlation Matrix

نسبی، نشاط اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. و بالاخره اینکه بین سن و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. در بین متغیرهای مختلف، سرمایه اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با نشاط اجتماعی دارد.

رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

در یک جمع‌بندی از آزمون‌های مطرح شده، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با روش گام به گام^۱ بررسی می‌شود. از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، ۳ متغیر مستقل تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی و میزان تحصیلات در مجموع بیشترین اثر را بر متغیر نشاط اجتماعی داشته‌اند.

جدول شماره ۳. رگرسیون تأثیر متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	t	سطح معناداری
	B	خطای معیار			
سرمایه اجتماعی	۰/۵۰۲	۰/۰۷۱	۰/۳۲۷	۷/۰۶۰	۰/۰۰۰
محرومیت نسبی	-۰/۸۲۰	۰/۱۶۹	-۰/۲۲۳	-۴/۸۵۸	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات	۲/۴۲۵	۰/۶۵۷	۰/۱۶۹	۳/۶۸۹	۰/۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول بالا، متغیر سرمایه اجتماعی در بین متغیرهای مستقل، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی و تحصیلات، مثبت بوده است یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی و تحصیلات، نشاط اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند ولی تأثیر محرومیت نسبی بر نشاط اجتماعی معکوس بوده است یعنی هر چه فرد کمتر احساس محرومیت کند از نشاط بالاتری برخوردار است.

۱. Stepwise

ضریب همبستگی چندگانه ^۱	ضریب تعیین ^۲
۰/۴۷۰	۰/۲۲۱

با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می توان ۲۲/۱ درصد از واریانس متغیر تأثیر نشاط اجتماعی را توضیح داد. مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیده و چندبعدی بودن متغیر وابسته تحقیق یعنی نشاط اجتماعی و هم چنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیر گذار هستند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین سن و میزان نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیق گورین و همکاران^۳ (۱۹۶۰) همسو نبود. آن‌ها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که با افزایش سن، نشاط شروع به کاهش یافتن می کند. به عبارتی، بین این دو متغیر ارتباطی معکوس وجود دارد. از نظر آن‌ها گروه‌های سنی مختلف از سطوح متفاوتی از نشاط برخوردارند. گروه سنی ۵۵ سال به بالا، از حداقل نشاط برخوردارند. در حالی که گروه‌هایی که در رده سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند، نسبت به گروه‌های با رده سنی ۳۰-۳۹ سال از نشاط بالاتری برخوردارند. با توجه به اینکه پاسخگویان این تحقیق را فقط جوانان ۱۵-۲۹ ساله تشکیل می دادند، واریانس سن آنها پایین بوده است و لذا به این دلیل، این رابطه معنادار نشده است.

هم چنین نتایج حاصله از فرضیه بعدی نشان داد که بین میزان نشاط اجتماعی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتیجه با نظرات داینر و همکاران (۱۹۹۹)، فوجیتا، دایز و ساندویچ (۱۹۹۱) همسو بود. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است. معمولاً همه اعتقاد دارند که زنان نسبت به مردان احساساتی ترند، ولی شواهد زیادی در تأیید این نظر وجود ندارد. زن و مرد از نظر شادمانی و رضایت کلی با

۱. R

۲. R Square

۳. Gurin et al

یکدیگر متفاوت نیستند، مهم‌ترین تفاوت احساسی بین زن و مرد این است که زنان تغییرپذیری بیشتری دارند، یعنی هم عاطفه مثبت و هم عاطفه منفی بیشتری دارند. زنان ۵۰ درصد بیشتر از اضطراب و روان‌رنجوری رنج می‌برند و هیجان منفی بیشتری در زندگی روزمره دارند و دو برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند (آیزنک، ۱۳۷۵). هم‌چنین این یافته با یافته‌های پژوهش عناصری (۱۳۸۶) هماهنگ بود. تفاوت‌های جنسیتی، امروز بسیار کم‌رنگ شده است که این دیدگاه می‌تواند باعث برابری دو جنس از لحاظ بسیاری از متغیرها از جمله نشاط اجتماعی شود. در یزد به دلیل برخورداری از شاخص‌های فرهنگی مناسب، زنان و به ویژه زنان جوان، در عرصه اجتماعی حضور پررنگی دارند و این حضور در افزایش نشاط اجتماعی آنها، تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد و باعث عدم تفاوت چشمگیر نشاط اجتماعی آنها با مردان شده است.

نتایج نشان داد که بین میزان نشاط اجتماعی افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج این پژوهش با نظرات داینر و همکاران (۱۹۹۹) همسو نبود زیرا معتقدند که افراد متأهل نسبت به کسانی که هرگز ازدواج نکرده یا جدا شده‌اند و یا همسر خود را از دست داده‌اند، بیش‌تر احساس شادی و شادمانی می‌کنند. علاوه بر این افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند اما با نامزد مورد علاقه خود زندگی می‌کنند، از کسانی که تنها زندگی می‌کنند خیلی شادمان‌ترند. البته این امر به ارزش‌های فرهنگی مورد قبول جوامع بستگی دارد. هم‌چنین نتیجه به دست آمده با نظرات ماستکاسا (۱۹۹۴) همخوانی ندارد. او در تفاوت میزان شادمانی افراد مجرد و متأهل توضیح می‌دهد: اولاً طلاق و جدایی استرس‌زا و ناخوشایندند و ثانیاً ازدواج مزیت‌هایی برای فرد ایجاد می‌کند که در غیاب آن فرد از آن‌ها محروم می‌شود. شاید بتوان علت یا علل دلیل این عدم تفاوت در جامعه مورد مطالعه (یزد) را در مشکلات اقتصادی سالیان اخیر در جامعه جستجو کرد. تورم اقتصادی و مشکلات ناشی از آن فشار زیادی را به افراد متأهل (در مقایسه با افراد مجرد) وارد کرده است و به کاهش نشاط آنها منجر شده است. افراد متأهل از یک طرف به دلیل مشکلات اقتصادی، فشارهای روانی و اجتماعی خاصی را تجربه می‌کنند که در افراد مجرد این فشارها کمتر وجود دارد و از طرف دیگر افراد متأهل ناچارند برای جبران هزینه‌های ناشی از تورم در جامعه، فرصت

کمتری را به تفریح و فراغت اختصاص دهند و زمان بیشتری را به کارهای مختلفی که درآمدزا باشد اختصاص می‌دهند.

از دیگر نتایج پژوهش، وجود رابطه معنادار بین میزان تحصیلات و میزان نشاط اجتماعی بود. تحصیلات می‌تواند زمینه‌ای از رضایتمندی را در افراد به وجود آورد و منجر به نشاط شود. براساس نظریه مازلو توجه به نیازهای اولیه و ثانویه افراد از ضرورت‌های هر جامعه‌ای است و مادامی که نیازهای تک تک افراد برآورده نشود، نمی‌توان شاهد جامعه‌ای با نشاط، پویا و خلاق بود. این نتیجه با نظرات تحقیق گورین و همکاران (۱۹۶۰) همسو بود. به نظر آنان با افزایش درجه تحصیلات بر میزان نشاط افزوده می‌گردد. از نظر آن‌ها افرادی که مدارک تحصیلی پایین‌تری دارند از میزان نشاط کمتری برخوردارند. هم‌چنین با نتایج پژوهش ادینگتون و شومن^۱ (۲۰۰۴) همخوانی دارد. افزایش تحصیلات علاوه بر ایجاد احساس ارزشمندی و عزت نفس در افراد، امید آن‌ها را به یافتن شغل و درآمد مناسب افزایش می‌دهد و از این طرق نشاط را در آن‌ها افزایش می‌دهد. در یزد، خانواده‌ها و نظام آموزشی، جایگاه و ارزش ویژه‌ای برای افزایش تحصیلات در برنامه‌ریزی‌های خود قرار می‌دهند و این برنامه‌ریزی در زمینه تحصیلات نتایج مطلوبی داشته است و همین امر باعث شده است که یزد در ۲۱ سال گذشته، همواره رتبه اول کنکور را به خود اختصاص دهد. این موفقیت به نوبه خود تأثیر مطلوبی بر وضعیت نشاط در این دیار به جای می‌گذارد.

نتیجه دیگری که از آزمون فرضیات به دست آمد، وجود رابطه معنادار و مستقیم بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی بود. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه اجتماعی میزان نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با نظر پوتنام و همکاران، رایبسون و دراکر همسو است. هم‌چنین نتایج به دست آمده با این فرضیه، با نتایج تحقیقات یاماوکا^۲ (۲۰۰۸)، وینسترا (۲۰۰۰) و پاودتاوی (۲۰۰۸) همخوانی دارد. یاماوکا (۲۰۰۸) در پژوهشی بر روی کشورهای آسیای شرقی نشان داد که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با شادکامی رابطه دارد. پوتنام و همکاران در تحقیقی که با همکاری دانشگاه هاروارد و مرکز بشردوستانه دانشگاه ایندیانا انجام دادند، دریافتند که افرادی که از نظر روابط اجتماعی

۱. Shuman

۲. Yamaoka

مهارت بیش تری دارند و بهتر می توانند با مردم رابطه برقرار کنند، نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی تر، ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان تر هستند. به نظر پوتنام و همکاران، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارتباطاتی که بین مردم وجود دارد و محل زندگی آن‌ها را از نظر روابط غنی می سازد. آن‌ها معتقدند که سرمایه اجتماعی، در واقع یک پیش‌بینی کننده قوی برای تعیین میزان شادمانی افراد و کیفیت زندگی در اجتماع است، لذا برای افزایش سطح شادمانی مردم سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بسیار ارزشمندتر از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی است (هوپکه، ۲۰۰۱). مردم استان یزد - که از دیرباز به دارالعباده شهرت داشته است - در نزد سایرین از مقبولیت قابل توجهی برخوردار هستند. مردم این دیار به عنوان افرادی قابل اعتماد، مشارکت‌جو و با فرهنگ غنی شناخته می‌شوند. این ویژگی‌ها که ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند باعث افزایش نشاط اجتماعی در بین شهروندان می‌شوند.

از نتایج دیگری که به دست آمد، رابطه معنادار و معکوس بین محرومیت نسبی و میزان نشاط اجتماعی بود، یعنی هر چه محرومیت نسبی افزایش پیدا می‌کند میزان نشاط اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با نظر داینر و همکاران (۱۹۹۹) همسو بود؛ آن‌ها گزارش کرده بودند که مردم کشورهای ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بسیار شادترند. هم چنین نتایج پژوهش با نظرات آرجیل (۱۹۹۹) همسو بود؛ او معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد، پژوهش‌های وی نشان می‌دهد که این ارتباط در بین اقشار کم درآمد بیش تر است. کلارک و اسوالد^۱ (۱۹۹۴) نیز گزارش کردند که شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تولید ناخالص ملی سرانه با میزان شادمانی افراد جامعه رابطه مستقیم دارد و افزایش در آمد ملی، شادمانی مردم را افزایش می‌دهد. بر اساس نظر مارتین، بایستی با «خلق سازو کارهای تنظیمی و تعدیلی، ایجاد رضایت‌مندی در افراد جامعه و کاهش نابرابری را در جامعه فراهم نمایند» (برگزما^۲، ۲۰۰۶: ۱۱۵) و از این رو است که وینهوون و کالمیجن بر عدالت در ایجاد احساس شادی تأکید کرده و معتقدند «هر چه عدالت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) در جامعه نمود بیشتری یابد، میزان شادی و توزیع آن بین مردم نیز

۱. Clark and Oswald

۲. Bergsma

منصفانه تر خواهد بود» (وینهوون و کالمیجن^۱، ۲۰۰۵: ۴۳۵). هم‌چنین بنا بر پژوهش‌های آلسینا، دیتلا و مک کلوچ که نابرابری را موجب کاهش شادی در جامعه قلمداد می‌کنند (گراهام و فلتون^۲، ۲۰۰۶: ۱۰۸)، اگر شادی معلول (پیامد عوامل متعدد) فرض شود، به نظر می‌رسد تا حد زیادی متأثر از نابرابری در امکانات و منابع طبیعی یا نابرابری در دستیابی به منابع کمیاب اجتماعی - فرهنگی همانند شغل، درآمد، قدرت، پرستیژ، کارآمدی (مهارت) و... است.

هم‌چنین نتایج نشان داد بین میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و میزان نشاط اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم وجود داشت؛ مشخص می‌شود که هر چه بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی افزایش پیدا می‌کند میزان نشاط اجتماعی هم افزایش پیدا می‌کند. نتایج نشان داد بین میزان نشاط اجتماعی افراد شاغل و غیرشاغل تفاوت معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر، افراد شاغل نسبت به افراد غیرشاغل از نشاط اجتماعی بالاتری برخوردارند. نتایج پژوهش تایت و پاجت^۳ (۱۹۸۹) نشان داد افرادی که شاغل هستند و رضایت شغلی بالایی دارند احساس شادمانی بیش‌تری نسبت به دیگران دارند. دالن، پیسگوود و وایت^۴ (۲۰۰۷) با مرور مقالات منتشر شده از سال ۱۹۹۰، به این جمع‌بندی رسیدند که بیکاری، با شادکامی رابطه منفی قوی دارد.

به طور کلی، نتایج حاصل از همبستگی متغیرها بیانگر آن است که از بین متغیرهای مستقل میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، میزان محرومیت نسبی، میزان سرمایه اجتماعی، میزان تحصیلات رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند. البته لازم به ذکر است که بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی ارتباط منفی و معکوس وجود دارد، بدین ترتیب که با افزایش احساس محرومیت، نشاط اجتماعی در بین افراد کاهش می‌یابد.

پیشنهادات

۱. Veenhoven and Kalmijn
- 2 . Graham and Felton
۳. Tait and Padgett
- 4 . Daln, Peasgood and White

- با توجه به معنادار شدن رابطه متغیرهای سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با نشاط اجتماعی، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:
- برگزاری جشنواره‌های مهارتی مانند جشن پخت غذا و شیرینی، هنرهای دستی، در تمامی ایام سال به ویژه ایام گردشگری
 - برگزاری جشنواره میوه در استان مانند جشن انار در تفت، زرد آلو و انگور در هرات، پسته و غیره
 - برگزاری جشن اعیاد به صورت یکپارچه با حضور محلات و مشاغل مختلف با ساختار مراسم محرم با انجام برنامه‌هایی نظیر نمایش با دوچرخه، اسکیت، اسب سواری، گروه سرود، گروه‌های ورزشی مانند تکواندو و کاراته، زدن ماسک و کشیدن نقاشی بر صورت، شعبده بازی، نورافشانی و مراسم تئاتر (شبه تعزیه) از تولد و کرامات ائمه
 - برگزاری جشنواره‌های فرهنگی با ساختار جدید مانند جشنواره زوج خوشبخت با حضور زوج‌های موفق و ناموفق، برگزاری مسابقه بین زوج‌ها، تئاتر خانوادگی و غیره با همکاری ادارات دولتی، سازمان‌ها و بخش خصوصی
 - افزایش کمی و کیفی جشن‌های عمومی شامل جشن‌های محلی مختص هر منطقه، جشن‌های ملی مانند مهرگان، جشن‌های مذهبی مانند مولودی‌خوانی
 - حمایت از ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد مانند خانه ریاضیات در زمینه بازی و سرگرمی در استان و معرفی آنان به دیگر ارگان‌ها مانند کانون‌های مساجد، پارک‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و...
 - بهره‌گیری از دانشجویان تربیت بدنی جهت حضور و فعالیت در ایستگاه تندرستی با هدف دسترسی عموم و فعال سازی پارک‌ها
 - توجیه خیرین از میزان اهمیت ورزش در سلامت روحی و روانی اجتماع و کاهش آسیب‌های اجتماعی برای ارتقاء کمی و کیفی ورزش‌های همگانی
 - برگزاری بازی‌های جذاب، مفرح، متنوع (ورزشی، سرگرمی، علمی، خلاقانه، دیجیتال و...)، هدفمند (متناسب با نیاز و اولویت‌های توسعه استان) و تیمی برای گروه‌های مختلف (خردسال، کودکان، جوانان، بانوان، سالمندان) با ارائه جوایز متنوع و خلاقانه و نه الزاماً گران.

- برگزاری تورهای کویرنوردی به صورت دسته جمعی
- برگزاری حداقل یک همایش بزرگ پیاده روی در هر شهرستان استان یزد
- اطلاع رسانی رویدادهای ورزشی استان به ویژه در زمینه ورزش های همگانی و خلاقانه
- فرهنگ سازی جهت افزایش بازی های گروهی و خانوادگی مانند پانتومیم، اسم و فامیل گروهی، وسط بازی، طناب کشی و ...
- ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جهت رفتن به مسافرت و پذیرش گردش گر در استان
- ارتقاء کمی و کیفی برنامه های نشاط آور مساجد، مدارس و دانشگاه ها به ویژه در اعیاد و با همکاری ارگان های مربوطه
- تخصیص ایامی از سال جهت برگزاری جشنواره از فعالیت های ارگان های اجتماعی - فرهنگی مانند ارشاد، کانون پرورش فکری کودکان و ...

فهرست منابع:

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). روانشناسی شادی (ترجمه فاطمه بهرامی و دیگران)، اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.
- آزموده، پیمان (۱۳۸۲). رابطه جهت گیری با سرسختی و شادکامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- آیزنک، مایکل دبلیو (۱۳۷۸). همیشه شاد باشی (ترجمه ز. جلونگر). انتشارات نسل نواندیش.
- جعفری، سیدابراهیم؛ عابدی، محمدرضا و لیاقتدار، محمدجواد (۱۳۸۳). «شادمانی دانشجویان دانشگاه اصفهان، میزان و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه طب و تزکیه، شماره ۵۴: ۲۴-۱۵.
- حمایت طلب، رسول؛ بزازان، صدیقه و لحمی، ریحانه (۱۳۸۲). مقایسه میزان شادکامی و سلامت روانی دانشجویان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار دانشگاه های تهران و پیام نور، حرکت، پیاپی ۱۸، ۱۳۱-۱۴۰.
- دهقانی، مجید (۱۳۸۱). بررسی میزان افسردگی در دانش آموزان یزد، رساله دکتری پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی یزد.
- رضوان، شیوا؛ بهرامی، فاطمه و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۵). تأثیر تنظیم هیجان بر شادکامی و نشخوار فکری دانشجویان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال دوازدهم، شماره ۳، ۲۵۱-۲۵۷.
- شریفی، خدیجه؛ سوکی، زهرا؛ تقریبی، زهرا و اکبری، حسین (۱۳۸۹). «وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵»، فیض، دوره چهاردهم، شماره ۱: ۶۹-۶۲.
- طریقه دار، محسن (۱۳۷۹). شرح و شادی. قم: موسسه فرهنگی انتشارات حضور.
- عابدی، محمدرضا (۱۳۸۳). «بررسی اثربخشی آموزش شناختی - رفتاری فوردایس بر شادمانی، اضطراب، افسردگی و روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان». در خلاصه مقالات چهارمین هفته‌ی پژوهش دانشگاه اصفهان (صص ۴۷-۴۱). اصفهان: معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان.
- عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار». رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵: ۲۳۳-۱۹۵.
- علی پور، احمد؛ نوربالا، احمدعلی؛ اژه‌ای، جواد و مطیعان، حسین (۱۳۷۹). شادکامی و عملکرد ایمنی بدن، مجله روانشناسی، ۴(۳) (پیاپی ۱۵): ۲۱۹-۲۳۳.
- علی پور، احمد و آگاه هریس، مژگان (۱۳۸۶). «اعتبار و روایی فهرست شادکامی آکسفورد در ایرانیها». فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۲: ۲۹۸-۲۸۷.
- عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- عناصری، مه‌ریار (۱۳۸۶). «رابطه‌ی بین سلامت روان و شادکامی دانشجویان دختر و پسر»، اندیشه و رفتار، دوره دوم، شماره ۶: ۸۴-۷۵.

- فرهادی، علی؛ جواهری، فرزانه؛ غلامی، یزدانبخش و فرهادی، پریش (۱۳۸۴). «میزان نشاط و ارتباط آن با اعتماد به نفس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هفتم، شماره ۲۶-۲۵: ۶۲-۵۷.
- کشاورز، امید (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین شادکامی با سرزندگی، جزمیت، انعطاف پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناسی در مردم شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- گروسی فرشی، میرتقی؛ مانی، آرش و بخشی پور، عباس (۱۳۸۵). «بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز»، فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۵۹.
- گودرزی، محمود و حمایت طلب، رسول (۱۳۸۴). مقایسه میزان شادکامی دانشجویان ورزشکار دختر و پسر دانشگاه تهران، حرکت، شماره ۲۵، ۴۳-۵۲.
- مظفر، حسین (۱۳۷۹). «اثر نشاط روحی بر شکوفایی خرد»، تربیت، شماره ۷: ۱۵-۱۲.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- منتظری، علی و همکاران (۱۳۹۱). «میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه سلامت از دیدگاه مردم ایران»، پایش، سال یازدهم، شماره چهارم، مرداد و شهریور ۱۳۹۱: ۴۷۵-۴۶۷.
- و کیلی، محمود؛ اسلامی فارسانی، شهین؛ حسینی، سیدمحمدحسین و دهقانی تفتی، محمدحسین (۱۳۸۸). «بررسی شیوع افسردگی و عوامل مرتبط با آن در رانندگان کامیون استان یزد». سلامت کار ایران، ۶ (۴): ۶۶-۷۳.
- هزارجریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)». جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم- شماره پیاپی (۳۳). شماره ۱: ۱۴۶-۱۱۹.
- Argyle, M. (1999). "Causes and correlates of happiness". In D. Kahneman, E. Diener & N. Schwartz (Eds.), *WELL-BEING: The foundations of hedonic psychology* (pp. 353-373). New York, US: Russell Sage.
- Argyle, M., & Lu, L. (2001). *The psychology of happiness*. London: Rutledge.
- Bergsma, A. (2006) "Book Reviews: Parents and Teacher as the Founder of Happiness", *Journal of Happiness Studies*, 7: 113-128.
- Buss, D. (2000). "The evaluation of happiness", *American Psychologist*, 55 (1): 15-23.
- Car, A. (2004). *Positive psychology, the science of happiness and human strengths*. New York: Brunner Rutledge Ltd.
- Clark, A., & Oswald, A.J. (1994). "Unhappiness and unemployment". *Economic Journal*, 104: 648-659.

Diener, E. (1984). "Subjective well – being. Psychology", *Bulletin*, 95: 542-575.

Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L (1999). "Subjective well – being three decades of well – being", *Psychological Bulletin*, 125 (2): 276-302.

Dolan, P., Peasgood, T., & White, M. (2007). Do we really know what makes us happy? A review of the economic literature on the factors associated with subjective wellbeing. *Journal of Economic Psychology*, doi:10.1016/j.joep, Available on the WWW.Weincedrit.com, 1-29.

Eddington, N. & Shuman, R. (2004). Subjective Well-being. Presented by continuity psychology education.

Francis, L. J., Zibertz, H. G., & Lewise, C. A. (2003). "The relationship between religion and happiness among German students". *Pastoral Psychology*, 51: 273- 281.

Fujita, F., Diener, E., & Sandvic, E (1991). "Gender differences in negative affect and well – being: The case for emotional intensity". *Journal of Personality & Social Psychology*, 61 (3): 427-434.

Graham, C. and A. Felton (2006) "Inequality and Happiness: Insights from Latin America", *Journal of Economic Inequality*, 4: 107-122.

Gurin, G., Veroff, J., & Fled, S. (1960). *American view their mental health*, New York: Basic Books

Haller, H. & M. Hadler (2006) "How Social Relations and Structures Can Produce Happiness and Unhappiness", *Social Indicators Research*, 75: 169-216.

Huppke, R.W. (2001). Study finds community? work linked to happiness, Htt: //archive. Nandotimes.... / 0.2107, 50004587722-500698037-50374788-0, 00. Html? Printe.

Lindstrom, M. (2008). "Social capital, anticipated ethnic discrimination and self-reported psychological health: A population- based study", *Social Science & Medicine*, 66 (1): 1-13.

Lupri, E., Freideres, J. (1999). *Happiness: what studies on twings show us about nature and happiness set point*. New York: Golden Books

Lyubomirsky, S. Sheldon, K. M, & Dchkade, D (2005). "Pursing happiness: The architecture of sustainable chane". *The General Psychology*, 9 (2):111-131.

Mastekassa, A (1994). "Psychological well – being and marital dissolution: Selection effects?", *Jornal of Family Issues*, 15 (2): 208-228.

Myers, D. G. (2001). *Psychology*, 6th Ed. New York: Worth Publishing.

Myers, D. G (2000). "The Funds, Friends, and Faith of Happy People", *American Psychologist*, 55 (1): 56-67.

Peterson, C (2000). "The future of optimism", *American Psychologist*, 55 (1): 44-55.

Powdthavee, N. (۲۰۰۸). "Putting a price tag on friends, relatives, and neighbours: Using surveys of life satisfaction to value social relationships". *Journal of socio-Economics*, 37 (4): 1480-1495.

Tait, M., & Padgett, M. Y (1989). "Job and life satisfaction: A reevaluation of the strenth of the relationship and gender effects as a Function of the dateof the study". *Journal of Applied Psychology*, 74 (3):502 - 507.

Tkach, C. & S. Lyubomirsky (2006) "How Do People Pursue Happiness", *Journal of Happiness Studies*, 7: 183-225.

Veenhoven, R. (1996). "Happy life expectancy: Anew comprehensive measure of quality of life in nations", *Social Indicators Research*, 69: 157-166.

Veenhoven, R. and W. Kalmijn (2005). "Inequality Adjusted Happiness in Nation", *Journal of Happiness Studies*, 6: 421-455.

Veenstra, G. (2000). "Social capital, SES and health: an individual-level analysis". *Social Science & Medicine*, 50 (5): 619-629.

Yamaoka, K. (2008). "Social capital and health and well-being in East Asia: A population-based study". *Social Science & Medicine*, 66(4): 885-899